

## ذره بین

## ۶ کشته و ۳ مفقود در اثر سیل

در اثر سیل و آبگرفتگی طی ۹۸ ساعت، ۶ نفر جان خود را از دست داده‌اند، همچنین ۳ نفر مفقود هستند. مرضی سلیمی، رئیس سازمان امدادونجات به تشریح عملیات سیل و آبگرفتگی از ۲۴ بهمن تا ساعت ۶ صبح روز دوشنبه پرداخت و گفت: ۱۴ استان کشور شامل اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، خراسان‌های جنوبی، رضوی و شمالی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، فارس، کرمان، کهگیلویه و بویر احمد، هرمزگان و یزد تحت تأثیر سیل و آبگرفتگی قرار داشتند. مأموران سازمان امدادونجات تاکنون به ۶۴۵ شهر، روستا و مناطق عشایرنشین و ۱۱۲ هزار نفر از هموطنان سیل‌زده خدمات امدادی ارائه کرده‌اند. این عملیات است که در برخی از مناطق عملیات امداد رسانی همچنان ادامه دارد. رئیس سازمان امدادونجات گفت: امدادگران ۲۲ هزار و ۸۸۰ نفر از هموطنان را طی ۹۸ ساعت گذشته اسکان ضروری دادند و هفتار نیز به مراکز درمانی منتقل کردند، همچنین عملیات نجات ۹۸ نفر از هموطنان از سیل باموفقیت کامل انجام شد. وی اضافه کرد: در حال حاضر، ۳۰ ساعت از هموطنان، یک نفر در تایباد، یک نفر در ساردوئیه و دیگری در بستک مفقود هستند و متأسفانه هفتار از هموطنان درشهرهای خواف، شیراز، چرم، تایباد، دشتستان و جیرفت در اثر وقوع سیل جان خود را از دست دادند. سلیمی افزود: امدادگران به تخلیه اضطراری ۷۵۰۰ نفر از افراد که در معرض خطر پایین دست‌بند خاکی محمدآباد چرم بودند، کمک کرده و ۴ هزار نفر از دهستان ریز آب و نیز تخلیه کرده و اسکان ضروری دادند، همچنین ۳۰ روستا و شهر در ریزگان بم، فهرج و بردسیر به صورت اضطراری تخلیه شد. وی بیان کرد: در جریان عملیات‌های امدادونجات، ۱۷۳ دستگاه خودرو از هموطنان و راهسازی و ۳ هزار و ۸۶ واحد مسکونی نیز از آب تخلیه شد. رئیس سازمان امدادونجات تأکید کرد: در حال حاضر، امداد رسانی در ۵ استان فارس، کرمان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان و عملیات جست‌وجوی مفقود در روستای کرات، تایباد، ادامه دارد.

## تله اینستاگرامی پسر جوان برای یک دوست مجازی

**شهروند** | دختر نوجوان در نخستین قرار ملاقات اینستاگرامی قربانی نقشه آزار و اذیت پسر جوان شد. ۱۹ بهمن ماه مردی به کلاتری ۱۰۴ عباس آباد رفت و ادعا کرد که دختر ۱۳ ساله‌اش توسط جوانی به نام امیر که هیچ‌گونه اطلاعاتی از وی ندارند، مورد سرقت و در ادامه آزار و اذیت قرار گرفته است. سوزی پرونده پس از حضور در اداره شازدهم پلیس آگاهی در اظهاراتش به کار آگاهان گفت: «چندی پیش متوجه شدم که دخترم دچار افسردگی شده است؛ مسأله را با تحقیق و گفت‌وگو از وی جویا و متأسفانه متوجه شدم که توسط جوانی به نام امیر که هیچ‌گونه شناختی از وی و خانواده‌اش ندارم، مورد سرقت و آزار و اذیت قرار گرفته است. دختر شاکری پرونده نیز که به همراه پدر و مادرش در اداره شازدهم سید آگاهی تهران بزرگ حاضر شده بود، در اظهاراتش به کار آگاهان گفت: «به صورت کامل اتفاقی در اینستاگرام به شماره جوانی به نام امیر که تصویر خودش را نیز روی پست خود گذاشته بود، برخورد کردم. او را فالو کردم. چند روز اول از تباط ما صرافار دید پیام دادن و فرستادن چند عکس برای یکدیگر را بود تا این که امیر از من درخواست وی را قبول کرد و ما ملاقات کنیم؛ من نیز در خواست او را قبول کردم و با او قرار ملاقات گذاشتم. ساعت ۲۰:۳۰ نهم بهمن ماه بود که در محدوده سید خندان با یکدیگر قرار ملاقات گذاشتیم، اما امیر در همان جلسه و پس از کشاندن من به مکانی خلوت، با تهدید مرا مورد آزار و اذیت قرار داد و پس از آن با سرقت گوشی تلفن همراهم از محل متواری شد.» در شناسایی که هیچ‌گونه اطلاعات دقیقی در خصوص امیر، متهم پرونده وجود نداشت، کار آگاهان به انجام اقدامات پلیسی موفق به شناسایی این پسر ۱۹ ساله در منطقه سید خندان، خیابان ابوذر غفاری شدند. با شناسایی تصویر امیر از سوی دختر نوجوان، کار آگاهان اداره شازدهم اقدام به دستگیری وی کردند و در ادامه گوشی تلفن همراه متعلق به شاکری پرونده نیز از وی کشف شد. امیر که از سال ۱۳۸۵ و پس از متار که پدر و مادرش به همراه مادرش زندگی می‌کند پس از انتقال به اداره شازدهم به سرقت از دختر نوجوان و آزار و اذیت وی اعتراف کرد.

## پسر اعدامی به «شهروند» از جزییات دیدار با مادرش پس از ۲۴ سال در زندان مرکزی اراک گفت

## تعبیر یک رویا

## این پسر به جرم قتل عمد به ۱۸ سال حبس و قصاص محکوم شده است

۴۰ روز پیش فهمیدم که مادرم دارد برای دیدن من به ایران می‌آید. یک شب خواب مادرم را دیدم. چند روز بعد وقتی با خواهرم در زندان ملاقات داشتیم، خوابم را برای او تعریف کردم، یکدفعه خواهرم به گریه افتاد، وقتی علت گریه‌اش را پرسیدیم، به من گفت که مادرمان در همه این سال‌ها با او در ارتباط بوده است. خواهرم گفت که او برای نجات من از زندان به ایران می‌آید. من اولش باورم نمی‌شد اما هر روز که می‌گذشت، بیشتر دوست داشتیم مادرم را ببینیم. من هشت ساله بودم که مادر و پدرم از هم جدا شدند. یک تصاویر میهمی از آن زمان‌ها در ذهنم بود. اما ۲۴ سال از آن روزهای می‌گذشت و تصور چهره مادرم خیلی سخت بود.

شدم، چهره مادرم را دیدم و به اندازه همه این سال‌ها او را در آغوش گرفتم و گریه کردم. بعد از حدود نیم‌ساعت گریه اولین حرفی که به او زدم این بود که «مادر حالت چطور است.» چهره مادرم خیلی شکسته شده بود گردوغبار سال‌ها به کلی صورتش را با آن چیزی که من به خاطر داشتیم، تغییر داده بود. اما هنوز هم بوی همان روزها را می‌داد، روزهایی که ما از مدرسه می‌آمدیم و مادر برای ما غذا آماده می‌کرد، بوی صبحی که من و خواهرم را با نوازش از خواب بیدار می‌کرد. سال‌های زیادی از آن روزها گذشته است اما مادر همیشه مادر است.

## • در همه این سال‌ها سراسری از مادرت نگر می‌تویی؟

در وقت از بابا راجع به مادرم سوال می‌کردیم، به ما می‌گفت فکر کنی که او مرده. ما هم کم‌کم به نبود او عادت کردیم.

## • شما یک برادر کوچکتر هم دارید. او از مادرت سوال نمی‌کرد؟

وقتی مادر و پدرم از هم جدا شدند، برادرم ۳ یا ۴ سالش بود. فکر نمی‌کنم تصور خاصی از مادرمان در ذهن داشته باشد. اصلاً پدرم به خاطر برادر کوچکترم تن به ازدواج مجدد داد. او به ما گفت هر کس را که شماها راضی باشید برای ازدواج مجدد انتخاب می‌کنم. واقعه هم به خاطر ما و حرف ما دوباره ازدواج کرد تا من و خواهرم برادرم دست تربیت شویم.

• هیچ وقت علت اختلاف پدر و مادرت را نپرسیدی؟  
چرا ولی بابا همیشه ما را دست به سر می‌کرد آن موقع که بچه بودیم. به ما می‌گفت وقتی دیپلم گرفتید به همه ما ماجرا را تعریف می‌کنم؛ اما هیچ وقت علتش را نگفتم. پدرم ۱۵ سال از مادرم بزرگتر بود. مادر من ۱۳ سالش بود که با پدرم از ازدواج کرد. اما طرف دیگر پدرم با آنکه یک پدر فرهنگی است، اما اخلاق تنیدی دارد. اختلاف سنتی زیاد و اخلاق تند پدرم دلیل اصلی جدایی آنها بود.

## • در این سال‌های زندان کسی سراغت را می‌گرفت؟

چندسالی زنده‌موند بود تا شاید مشکل حل شود؛ اما نشد و او هم طلاق گرفت. دخترم همراه پدرم به ملاقات من می‌آید و خواهرم هم هر هفته سرخ من را می‌گیرد. آنکه یک برادر کوچکتر هم هر ۴۰ روز یکبار به ملاقات من می‌آید.

## • چه شد که به زندان افتادی؟

اگر بخواهم در یک کلمه جواب دهم به خاطر ندانم کاری، الان هشت سال است که در زندان، اما ماجرای زندانی شدنم داستان مفصلی دارد. من به جرم قتل عمد به ۱۸ سال زندان و قصاص محکوم شدم و اول هم دوران محکومیت را می‌گذرانم.

## • دوست‌اندازی ماجرای زندانی شدنت را تعریف کنی؟

سال ۸۵ بود. من زندگی خوبی داشتم. دو جا کار می‌کردم. ۹۰ روز در هفته از صبح تا بعدازظهر در یک موسسه فنی برقی قدرت و برق کشتی ساختمان

تدریس می‌کردم. من فوق دیپلم برق دارم. یک شرکت تأسیساتی هم داشتیم که بعد از آموزشگاه به آنجا می‌رفتم. همه تجهیزات و اموال شرکت هم به نام خودم بود. ۷۰ تا ۸۰ کارگر زیر دست من کار می‌کردند. زندگی خوبی هم داشتیم؛ اما در عرض دو سال همه چیز تغییر کرد. من به زندان افتادم، شرکت تعطیل شد، زندگی‌ام به هم ریخت. من الان ۳۳ سالم است. بهترین دوران زندگی‌ام را در زندان رفتم. بعد از سایه خودم هم می‌توسیدم. تصمیم گرفتم حتی از کشور فرار کنم. حتی مخفیانه به مشهد رفتم، چند روزی آنجا بودم با یک قاچاق‌چی هماهنگ می‌گفتم که این قضیه ناموسی است. من هم بالاخره راضی شدم تا آنها را همراهی کنم. من با آن دو نفر سوار بر ماشین شرکت به سمت جاده بوئین‌زهرها سناوه حرکت کردم. در جاده بودیم که فرد مرد نظر را سوار بر موتورسیکلتی مشاهده کردم. چند بار برایش چراغ زدم اما او اعتنا نکرد و سعی کرد از دست ما فرار کند. بیچاره متوجه شده بود که ما دنبالش هستیم، بالاخره پس از برخورد با ماشین به زمین افتاد و ما تن به خودم آمدم دیدم که آن دو کارگر با چوب و چاقو به او حمله کردند و حسایی او را کتک زدند. من سعی کردم او را از زیر دست آنها نجات دهم اما فایده‌ای نداشت. بعدش هم همان جا ره‌ایش کردم و بر گشتم. به زندی بعد از چند روز هم خبر رسید که او کشته شده است. بعد از چند روز هم موتورسیکلتش پیدا شد و چون آن موتور متعلق به شرکت ما بود، از طرف آگاهی سراغ من آمدند و منصرف شدم، بر گشتم و بعد از چند روز هم دستگیر شدم. سال ۸۷ بود که به زندان افتادم.

• کیس از این ماجرا خبر داشت؟  
فقط به همسرم گفته بودم. چندبار هم گفتم اما او هیچ وقت باور نکرد. هر بار که ماجرای کشته شدنم را رانده را برایش تعریف می‌کردم، می‌خندید و می‌گفت: «تو این کارها عمراً... ولی من خودم خیلی نگران بودم. چند ماه آخر قبل از دستگیری من ۸۷ بود. تقریباً دو سال پس از به قتل رسیدن راننده‌ها داشتند.

• چرا در این سال‌ها حکم قصاص اجرا نشده است؟  
من اطلاع دقیقی از زوال اجرای احکام ندارم؛ ولی تا جایی که پرسیدم اجرای حکم قصاص بر سایر احکام ارجح است ولی با این همه حکم قصاص من اجرا نشده است.

• چرا در این سال‌ها حکم قصاص اجرا نشده است؟  
من اطلاع دقیقی از زوال اجرای احکام ندارم؛ ولی تا جایی که پرسیدم اجرای حکم قصاص بر سایر احکام ارجح است ولی با این همه حکم قصاص من اجرا نشده است.

## محا کمه پسر فوتسالیست به اتهام تجاوز به دختر جودو کار

شهروند | پسر فوتسالیست صبح دیروز به اتهام تجاوز به یک دختر جودو کار، در مقابل هیأت قضایی دادگاه کیفری ایستاد و متکر اتهامش شد. این پسر جوان متهم است که قربانی خود را به خانه‌اش کشانده و پس از بیبوش کردن وی، او را مورد تجاوز قرار داده است. این در حالی است که متهم ادعا می‌کند شاکری همسر موقت وی بوده است.

اوایل آبان ماه امسال بود که دختر جوانی با مراجعه به پلیس، از یک پسر فوتسالیست شکایت کرد و گفت: «مدتی بود که با پسر فوتسالیست به نام «م» آشنا شده بودم. از آنجایی که این پسر ورزشکار بود

و من خودم هم جودو کار بودم، خیلی به او علاقه‌مند شدم، چون هر دو ورزشکار بودیم. از طرفی او هم مدعی بود قصد ازدواج با من را دارد. ما مدتی را از طریق تلفن و پیامک با هم در ارتباط بودیم و در این مدت فقط صحبت از ازدواج بود تا این که شب حادثه با وعده یک دیدار کوتاه و ملاقاتی مختصر، او مرا به خانه خود کشاند. قرار بود با هم صحبت کنیم، اما از ۱۱ شب تا ۸ صبح فردا در خانه‌اش زندانی کرد و در نهایت پس از این که بیبوشم کرد، مرا مورد تجاوز قرار داد.»

براساس اظهارات موکل این فوتسالیست با قرار گرفت و فوتسالیست کشور دستگیر شد، اما موضوع تجاوز را رد کرد و گفت که با این دختر به صورت موقت ازدواج کرده بوده و هیچ تجاوزی در کار نبوده است.

در نهایت پرونده بررسی این موضوع به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. این فوتسالیست صبح دیروز در دادگاه به اتهام تجاوز به عنف از خود دفاع کرد و به احتمال زیاد تا هفته آینده رأی دادگاه منتشر خواهد شد.

وکیل این زن جوان درباره این پرونده گفت: «براساس اظهارات موکل این فوتسالیست با

## آزیر

## پزشک تیریزی محاکمه می‌شود

باشگاه خبرنگاران | قرار مجرمیت پزشک تبریزی صادر شد. براساس نظریه پزشکی قانونی، علت فوت دو نفر از اعضای خانواده این پزشک مسومیت با سم فسفین بوده و در بررسی‌ها نشان از نوع سم کشف شده است. حجت‌الاسلام والمسلمین مظفری، رئیس کل دادگستری آذربایجان شرقی با اعلام این خبر گفت: دادسرا در حال تنظیم کیفرخواست برای ارسال پرونده به دادگاه است. براساس گفته رئیس کل دادگستری آذربایجان شرقی، این پزشک مدعی شده بود که فردی چند غلای نذری در اختیار آنها قرار داده و اعضای خانواده‌اش با مصرف این غذا مسومیت پیدا کردند و راهی بیمارستان شدند که در نهایت همسر و مادر بزرگ این پزشک فوت می‌کنند. تحقیقات برای شناسایی علت این حادثه با پیگیری‌های شبانه‌روزی دادستان مرکز استان و بازپرس پرونده ادامه داشت تا این که این پرونده ابعاد تازه‌ای به خود گرفت و ۱۰ ماه قاضی موسی خلیل‌اللهی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان آذربایجان شرقی جزئیاتی جدید از پرونده فوت دو عضو خانواده این پزشک را تشریح کرد. وی از صدور نظریه پزشکی قانونی در رابطه با این پرونده خبر داد و گفت: براساس نظریه پزشکی قانونی علت فوت دو نفر از اعضای خانواده این پزشک مسومیت با سم فسفین بوده و در بررسی‌ها نشان از نوع سم کشف شده است. دادستان تبریز در تبیین سوابق کاری و تحصیلی وی تصریح کرد: این فرد یک پزشک عمومی است که در سال‌های اخیر فراغ‌التحصیل شده و پرونده‌های زیادی را در نسخه‌های خلیل‌اللهی ادامه داد. عمده فعالیت وی نیز در خانه سلامت یکی از محلات تبریز بوده که توسط دانشگاه علوم پزشکی تبریز به بخش خصوصی واگذار شده است. قاضی خلیل‌اللهی توضیح داد: در نسخه‌های خلیل‌اللهی ادامه محلات تبریز بوده که توسط دانشگاه علوم پزشکی تبریز به بخش خصوصی واگذار شده است. قاضی خلیل‌اللهی توضیح داد: در نسخه‌های خلیل‌اللهی ادامه محلات تبریز بوده که توسط دانشگاه علوم پزشکی تبریز به بخش خصوصی واگذار شده است. قاضی خلیل‌اللهی توضیح داد: در نسخه‌های خلیل‌اللهی ادامه محلات تبریز بوده که توسط دانشگاه علوم پزشکی تبریز به بخش خصوصی واگذار شده است. قاضی خلیل‌اللهی توضیح داد: در نسخه‌های خلیل‌اللهی ادامه محلات تبریز بوده که توسط دانشگاه علوم پزشکی تبریز به بخش خصوصی واگذار شده است. قاضی خلیل‌اللهی توضیح داد: در نسخه‌های خلیل‌اللهی ادامه محلات تبریز بوده که توسط دانشگاه علوم پزشکی تبریز به بخش خصوصی واگذار شده است.

## کشمکش خونین در غرب پایتخت



شهروند | زن تنها پس از ۵ ساعت درگیری با پدرش دست به جنایت خونینی زد. عقربه‌ها ساعت ۱۹ یکشنبه نخستین روز اسفند ماه سال جاری را نشان می‌داد که پس از ۵ ساعت صای درگیری و بحث دخترتو پدر در شهرک گلستان به طرز مرموزی پایان گرفت. لحظاتی بعد همسایه‌ها برای بررسی موضوع به در خانه طبقه اول ساختمان رفتند که با جسد غرق خون پدر خانواده روبه‌رو شدند و خیلی زود ماجرای این جنایت خونین به مأموران کلاتری ۱۴۱ شهرک گلستان مخابره شد. مأموران با حضور در محل بازپرس ویژه قتل و کار آگاهان در صحنه جرم با جسد مرد ۷۴ ساله‌ای روبه‌رو شدند که از ناحیه گردن و دیگر اعضای بدنش هدف ضربات چاقو قرار گرفته بود و بررسی‌ها نشان از آن داشت که دختر خانواده عامل این جنایت است.

تحقیقات پلیسی از همسایه‌ها نشان از آن داشت که بعد از ظهر به گوش رسیده و ساعت ۷ عصر این سرو صداها پایان گرفته است و در ادامه کاوش‌های پلیسی مشخص شد که شبین از همسرش جدا شده و مدتی است که با پدرش زندگی می‌کند. شبین ۴۵ ساله که در محل جنایت حضور داشت، در حالی که شوکه شده بود، در همان ابتدا به قتل پدرش اعتراف کرد. شبین در نخستین بازجویی‌ها به خاطر شرایط پدرش از او درخواست پول کرده و درگیری آنها به خاطر پول رده است. زن جوان برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار داد.

**www.eshterak.ir**

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
با هدف گسترش فرهنگ  
مطالعه و حمایت از مطبوعات  
طرح تخفیف اشتراک  
تا سقف ۵۰ درصد  
را اجرا می‌کنند

**افزایش**  
قیمت نشریه در طول  
دوره اشتراک  
مشمول مشتریان  
قبلی نمی‌شود.

**هزینه**  
ارسال عادی  
از مشتریان  
دریافت نمی‌شود.

**مشترک شوید**

**اشتراک**

www.eshterak.ir

**تسهیلات**  
اشتراک برای روزنامه‌ها  
مجلات عمومی و مجلات  
تخصصی به ترتیب  
تا سقف ۵۰۰، ۵۰۰ و  
۵۰۰۰ تومان به ازای  
هر نسخه.

برای ثبت اشتراک  
کافی است  
به سایت  
www.eshterak.ir  
مرآجه نمایید.